

معملی سه قتل سیاسی

در دوران خبرنگاری‌ام شاهد قتل‌ها و ترورهای ابهام‌آفرین بوده‌ام که قتل حسنعلی منصور- نخست‌وزیر شاه-، اعدام طبیب حاج رضایی و ترور ژنرال تیمور بختیار- اولین رئیس ساواک - از آن جمله‌اند. در حالی که اسرار ناگشوده‌ای درباره مرگ آنها همچنان در پس پرده پنهان مانده است.

قسمت اول/ حسنعلی منصور روز ۱۷ اسفند سال ۴۲ از شاه فرمان نخست‌وزیری گرفت و روز اول بهمن سال بعد که هنوز مدت نخست‌وزیری‌اش به یک سال نرسیده بود، هنگام رفتن به مجلس شورای ملی آماج گلوله جوان ۲۱ ساله‌ای به‌نام محمد بخارایی، از پیروان گروه فدائیان اسلام قرار گرفت.

آن روز صبح محمد بخارایی همراه با رضا صفار هرندی و مرتضی نیک‌نژاد هر سه با داشتن اسلحه در میدان بهارستان، حوالی در جنوبی مجلس شورای ملی به کمین ایستاده بودند تا منصور با خودروی مخصوص نخست‌وزیری برای حضور در صحن مجلس از راه برسد و قرار شده بود هر سه شلیک کنند. ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه اول بهمن سال ۴۳ خودروی سیاه‌رنگ نخست‌وزیری از راه رسید و جلوی در کوچک غربی مجلس توقف کرد.

هنگامی که حسنعلی منصور از خودرو پیاده شد، صدای شلیک پیاپی گلوله‌ها از دو طرف به گوش رسید و منصور نقش زمین شد. در جریان تحقیق روشن شد مرتضی نیک‌نژاد پنج تیر و محمد بخارایی دو تیر، شلیک کرده بودند که در این میان از پنج فشنگ متعلق به اسلحه مرتضی نیک‌نژاد یکی به نآودان ساختمان مجلس، یکی به ماشین اسکورت خورده و سه تیر دیگر هم هوایی شلیک شده بود.

مرتضی نیک‌نژاد در بازجویی گفته بود: تیراندازی‌ام به‌خاطر این بود که توجه مأموران از محمد بخارایی منحرف شود تا او بتواند نخست‌وزیر را هدف بگیرد. ضمناً کارشناس فنی اسلحه شناسی تشخیص داد فقط دو گلوله از اسلحه محمد بخارایی به حسنعلی منصور اصابت کرده که به گردن و شکم‌اش خورده است.

سرانجام سحرگاه روز چهارشنبه ۲۶ خرداد سال ۴۴ چهار نفر از متهمان قتل حسنعلی منصور (محمد بخارایی- صفار هرندی- مرتضی نیک‌نژاد و صادق امانی همدانی) به‌جرم مشارکت در ترور در میدان حشمتیه تهران تیرباران شدند. هر چند که دادگاه نظامی این چهار نفر را عامل اصلی قتل حسنعلی منصور معرفی کرد اما من به‌عنوان دبیر گروه حوادث روزنامه کیهان با همکاری یکی از خبرنگارانم موفق به کشف راز اصلی مرگ حسنعلی منصور شدیم و با کشف سندی پی‌بردم این نخست‌وزیر شاه با اصابت گلوله‌های محمدبخارایی کشته نشده بلکه یک هفته پس از حادثه تیراندازی، زیر دست اعضای تیم جراحی، به‌عمد یا به سهو، هنگام جراحی زخم روی پیشانی‌اش مرده است. در حالی که شلیک گلوله‌ها به دو نقطه غیرحساس بدن نخست‌وزیر اصابت کرده بودند و هیچ‌یک عامل مرگ او نبوده‌اند.

ادامه روز سه شنبه

شکنجه مرد کارتن خواب در گونی

گروه حوادث/ مرد کارتن خواب که پس از ضرب و جرح

شدید، داخل گونی کنار خیابان رها شده بود پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۲ با‌ماداد پنجشنبه ۳۱ مرداد مرد جوانی هنگام عبور از خیابان متوجه گونی بزرگی شد که تکان می‌خورد.

وی که ابتدا توجهی به موضوع نکرده بود به راهش ادامه داد اما سر و صداهایی که از داخل گونی به گوشش رسید باعث شد تا به سراغ گونی برود. در گونی با طنابی بسته شده بود و زمانی که مرد رهگذر طاب را باز کرد با صحنه عجیبی مواجه شد. مردی داخل گونی بود که بشدت مجروح شده بود و به سختی نفس می‌کشید.

بلافاصله او با پلیس و اورژانس تماس گرفت و لحظاتی بعد مأموران کلانتری ۱۶۴ قائم و اورژانس راهی محل شده و مرد مجروح را به بیمارستان منتقل کردند. اما ساعت ۸:۳۰ صبح همان روز بدون آنکه حرفی به زبان بیاورد، تسلیم مرگ شد.

با مرگ مرد جوان موضوع به بازپرس کشیک قتل و تیم جنایی اعلام شد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد که مقتول مرد کارتن خوابی است که معتاد بوده و رستوران دارهای منطقه گاهگاهی به او غذا می‌دادند. علت اولیه مرگ نیز از سوی متخصصان پزشکی قانونی اصابت ضربات متعدد جسمی سنگین مانند میله آهنی اعلام شد. به دستور بازپرس جنایی تحقیقات برای شناسایی هویت قربانی و شناسایی عامل یا عاملان این جنایت ادامه دارد.

مرگ دو برادر با شلیک شبح روستا

گروه حوادث/ شلیک‌های شبح ناشناس به سوی سه برادر در تاریکی شب روستایی در رشتخوار، دو کشته و یک مجروح برجا گذاشت.

ساعت ۲ با‌ماداد دیروز اهالی روستای فتح آباد شهر رشتخوار با صدای فریادهای پسر همسایه از خانه‌هایشان بیرون آمدند. صدا از بالای پشت بام یکی از خانه‌ها می‌آمد. لحظاتی بعد نیز صدای پسر جوان با شلیک چند گلوله خاموش شد. این سر و صدا و تیراندازی‌ها دو بار دیگر نیز تکرار شد و لحظاتی بعد اهالی روستا جسد غرق در خون «منوچهر» ۲۵ ساله و «جواد» ۱۸ ساله را پیدا کردند.

اندکی آن طرف‌تر نیز پیکر نیمه جان و خونین «رضا»ی ۲۸ ساله برادر بزرگ‌ترشان افتاده بود.

خالف‌داعرب، فرماندار رشتخوار-استان خراسان رضوی- در تشریح این ماجرا به «ایرنا» گفت: «براساس گزارش‌های اولیه، ساعت ۲ با‌ماد، یکی از ساکنان خانه‌ای در روستای فتح آباد با دیدن مردی ناشناس روی پشت بام خانه‌شان در حالی که از همسایگان کمک می‌خواست با شلیک چند گلوله به قتل رسید.

برادر مقتول که برای کمک به برادرش رفته بود با دیدن مردی ناشناس که در تاریکی شب فرار می‌کرد به تعقیب او پرداخت اما این پسر جوان نیز با شلیک گلوله مجروح شد. همزمان پسر دیگر این خانواده به‌دنبال ضارب فراری دوید اما او نیز با رگبار گلوله از پا درآمد.»

وی افزود: «براساس تحقیقات پلیس با توجه به فرار عامل این جنایت، تیم‌های انتظامی و کارآگاهان اعزامی از مرکز استان با دستور بازپرس پرونده تحقیقات خود را برای شناسایی و دستگیری ضارب آغاز کرده‌اند. پوکه‌های به جا مانده در صحنه‌های قتل، این فرضیه را که ضارب، مسلح به کلاش‌نیکف باشد تقویت کرده است اما تحقیقات برای شناسایی و دستگیری مرد مسلح و روشن شدن انگیزه این جنایت‌ها و زوایای پنهان پرونده ادامه دارد.»

خاطره



محمد بافروی روزنامه‌نگار پیشگسوت

پدر و پسر در آتش قاچاق بنزین سوختند

گروه حوادث/ واژگونی خودروی سواری حامل سوخت و انفجار آن در جاده نهبندان به زاهدان، مرگ قاچاقچی ۴۶ ساله وپسر نوجوانش را رقم زد. سرهنگ «جواد شاهزهی»، رئیس پلیس راه‌شهرستان‌نهبندان به‌خبر‌گزاری «پلیس» گفت: با اعلام گزارش واژگونی پژو ۴۰۵ در ۴۳ کیلومتر ۴۳ محور«نهبندان- زاهدان» نیروهای امدادی و کارشناسان پلیس راه به محل حادثه اعزام شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد خودروی حادثه دیده حامل بنزین قاچاق بوده که راننده ۴۶ ساله وپسر ۱۶ ساله او در اثر سوختگی شدید جان باخته‌اند. علت حادثه ناتوانی راننده در کنترل وسیله نقلیه اعلام شده‌است.

قتل مرموز روانپزشک در خانه

گروه حوادث/ مردان مسلح ناشناس با ورود به خانه یک روانپزشک وی را با شلیک گلوله به قتل رساندند. به‌گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ساعت ۱۱ صبح جمعه یک شهریور، مردی میانسال در تماس با مأموران کلانتری ۱۲۴ قلهک از تیراندازی در طبقه اول مجتمع مسکونی محل سکونتش با اعلام این خبر تحقیقات آغاز شد و با حضور

خبر داد و گفت: لحظاتی قبل صدای شلیک چند گلوله به گوشم رسید. از پنجره که به بیرون نگاه کردم چند مرد را دیدم که از در مجتمع فرار کردند. خودم را به طبقه اول ساختمان رساندم و متوجه شدم که در خانه دکتر باز است، وارد شدم و دکتر را دیدم که مجروح شده بود.

با اعلام این خبر تحقیقات آغاز شد و با حضور

فروش نوزاد با شناسنامه فقط ۱۰۰ میلیون!

گروه حوادث- مرجان همایونی / زن آرایشگر که با همدستی شوهر صیغه‌ای خود و دوزن دیگر باند خرید و فروش اینترنتی نوزادان راه‌اندازی کرده‌بود از سوی پلیس دستگیر شد.



■ اعترافات زوج جوان

در تحقیقات اولیه این زوج به فروش نوزاد در فضای مجازی اعتراف کردند. زن جوان گفت: من آرایشگر هستم و مشتری‌های زیادی دارم. یکی از مشتری‌هایم که دوست صمیمی‌ام است، در مرکز ناب‌وروری کار می‌کند. چند باری که به محل کارش رفتم، زن آرایشگر که مینا نام داشت در حسرت بچه، سختی و هزینه‌های زیادی را برای مداوا متحمل می‌شوند. آنها حاضر بودند میلیون‌ها تومان بدهند اما صاحب فرزند شوند، ولی این امکان برایشان وجود نداشت. همان موقع فکری به ذهنم رسید که هم این خانواده‌ها به از رویشان برسند

هم ما پولدار شویم. او ادامه داد: نقشه از این قرار بود که خانواده‌هایی را پیدا کنیم که به دلایل مختلف نوزادشان را نمی‌خواستند و حاضر به فروش وی بودند. ما مشتری‌هایم که دوست صمیمی‌ام است، در مرکز ناب‌وروری کار می‌کند. چند باری که به محل کارش رفتم، زن آرایشگر که مینا نام داشت در حسرت بچه، سختی و هزینه‌های زیادی را برای مداوا متحمل می‌شوند. آنها حاضر بودند میلیون‌ها تومان بدهند اما صاحب فرزند شوند، ولی این امکان برایشان وجود نداشت. همان موقع فکری به ذهنم رسید که برای خودمان ماند. وقتی نوزاد پسر به

به همسرش تعهد داده بود که بچه دار نشود و از طرفی توانایی مالی نگهداری از بچه را نداشت به این فکر کردم. زن جوان گفت: من آرایشگر هستم و مشتری‌های زیادی دارم. یکی از مشتری‌هایم که دوست صمیمی‌ام است، در مرکز ناب‌وروری کار می‌کند. چند باری که به محل کارش رفتم، زن آرایشگر که مینا نام داشت در حسرت بچه، سختی و هزینه‌های زیادی را برای مداوا متحمل می‌شوند. آنها حاضر بودند میلیون‌ها تومان بدهند اما صاحب فرزند شوند، ولی این امکان برایشان وجود نداشت. همان موقع فکری به ذهنم رسید که برای خودمان ماند. وقتی نوزاد پسر به

به همسرش تعهد داده بود که بچه دار نشود و از طرفی توانایی مالی نگهداری از بچه را نداشت به این فکر کردم. زن جوان گفت: من آرایشگر هستم و مشتری‌های زیادی دارم. یکی از مشتری‌هایم که دوست صمیمی‌ام است، در مرکز ناب‌وروری کار می‌کند. چند باری که به محل کارش رفتم، زن آرایشگر که مینا نام داشت در حسرت بچه، سختی و هزینه‌های زیادی را برای مداوا متحمل می‌شوند. آنها حاضر بودند میلیون‌ها تومان بدهند اما صاحب فرزند شوند، ولی این امکان برایشان وجود نداشت. همان موقع فکری به ذهنم رسید که برای خودمان ماند. وقتی نوزاد پسر به

نیز درباره خانواده‌ام جمع‌آوری کرده بودند تا به این طریق بتوانند خانواده‌مرا سرکبسه‌کنند.

بعد از پایان بازجویی‌ها و انجام تحقیقات از متهمان و همچنین دریافت شکایت، کیفرخواست علیه متهمان صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. این‌در حالی بود که بنابر گفته‌وکیل شاکي پرونده، دانشجوی بنگلادشی، بعد از آزادی از دست گروگانگیران با توجه به اینکه وضعیت روحی خوبی نداشت، تحصیل در ایران را رها کرده و به کشور خودش بازگشته‌بود. او با نوشتن لایحه‌ای خطاب به دادگاه اعلام کرده بود که بر شکایت خودش باقی است و

آن‌طور که من فهمیدم، این جوان در ایران از هر بنگلادشی که می‌خواست به ایران بیاید ۲۰ میلیون تومان پول دریافت می‌کرد و او را به کارخانه‌ای در حوالی محل بنگاه پدرم می‌آورد، چراکه کارخانه‌های نزدیک محل کار پدرم همیشه از کارگرهای غیرقانونی و ارزان خارجی استفاده می‌کردند. از او پرسیدم مگر پول نادای که برادرت را وارد ایران کند، گفت منصرف شدم و حالا که به سراغ دانشجوی بنگلادشی رفته‌ام می‌گوید پولم را پس نخواهد داد. من هم برای رضای خدا تصمیم گرفتم به آنها کمک کنم. نه او را کمک زدم و نه شکجه کردم و در این مدت نیز او به ما تنها ۵۰۰ هزار تومان پول داد. من وقتی دیدم پول نمی‌دهد دیگر بی‌خیال ماجرا شده‌بودم که پلیس ما را بازداشت کرد.

در ادامه وکیل شاکي به جایگاه رفت و گفت: متهمان دروغ می‌گویند. آنها بعد از دزدیدن ماکل من از پدرش طلب ۲۰۰ میلیون تومان پول کرده بودند. هیچ کدام از حرف‌های آنها صحت ندارد و اگر موکل من از بازگشت به ایران نمی‌ترسید حتماً در این دادگاه حضور می‌یافت و خودش همه ماجرا را تعریف می‌کرد اما حالا که به جلسه نیامده است علیه او دروغ می‌یافند و مدارک موجود در پرونده نیز مؤید صحبت‌های موکل من است.

چهار متهم اصلی این پرونده به اتهام مشارکت در آدم‌ربایی به ۱۵ سال حبس و دو متهم دیگر که معاونت در آدم‌ربایی اتهام‌شان بوده است به سه سال حبس و شلاق محکوم شدند. این حکم صبح دیروز با تأیید قضات دیوانعالی روبه‌رو شد.

مأموران در خانه روانپزشک ۵۰ ساله آنها با بدن نیمه‌جان وی در حالی مواجه شدند که از ناحیه کتف مورد شلیک گلوله قرار گرفته بود. مرد میانسال بلافاصله به بیمارستان منتقل شد اما شدت خونریزی او را به کام مرگ کشاند. تحقیقات برای شناسایی عاملان این تیراندازی و انگیزه آنها ادامه دارد.

به‌دنبال اظهارات زن آرایشگر، خانواده دومین بچه که قصد فروش نوزادشان را داشتند نیز دستگیر شدند. آنها در تحقیقات مدعی شدند که به خاطر مسائل مالی و مشکلات نگهداری از کودک مجبور به فروختن او شده‌اند. بدین ترتیب نوزاد تحویل بهزیستی شد. در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان موفق شدند خانواده‌ای را شناسایی کنند که حدود یک سال قبل نوزادی را از مینا و همدستانش خریداری کرده‌بودند. در تحقیقات زوج جوان به مأموران گفتند: ۵ ساله‌ای است که ازدواج کرده‌ایم اما متوجه شدیم که بچه دار نمی‌شویم. وقتی با آگهی فروش بچه در سایت مواجه شدیم تصمیم گرفتیم که یک نوزاد بخریم اما نکته مهم‌تر این بود که فروشنده‌گان گفته‌بودند نوزاد را با شناسنامه‌ای به‌نام خودمان تحویل می‌دهند. با شماره‌ای که در سایت بود تماس گرفته و پس از هماهنگی‌های لازم و انتقال پول، بچه را تحویل گرفتیم. در این مدت ما به بچه وابسته شده‌ایم و واقعا نمی‌دانیم که چطور می‌توانیم بدون او زندگی کنیم.

در ادامه تحقیقات دو زن دیگر که از همدستان مینا بودند بازداشت شده و به جرم خود اعتراف کردند. تحقیقات برای شناسایی سایر اعضای این باند و نوزادان فروخته شده ادامه دارد.

توبه در زندان

مجازات مجرم را تغییر داد

گروه حوادث- معصومه مرادی‌پور/ مرد مسافر پرنما که به اتهام تعرض به زنان زندانی شده بود با توجه به اینکه در زندان توبه و از اعمال پلیدش ابراز پشیمانی کرد از سوی قاضی با تخفیف در مجازات او ره رو شد و سرانجام صبح دیروز حکم وی مورد تأیید قضات شعبه ۲۹ دیوانعالی کشور قرار گرفت.



عکس-ایران

پول زیادی در اختیار او قرار دهد که همسرم از او خواست به محل قرار برود تا پول‌ها را تحویل بگیرد اما مرد جوان بدون توجه به حرف‌های شوهرم مرا مورد تجاوز قرار داد و سپس مرا در کنار خیابان رها کرد.

کارآگاهان با توجه به حساس بودن این پرونده با اقدامات فنی و عملیات پلیسی موفق شدند متخفگانه این مرد جوان را در منطقه ملارد کرج شناسایی کنند و این متهم دستگیر شد. محمد ۳۱ ساله که ۲ فرزند ۳۵ روزه دوقلو داشت مدعی شد به‌خاطر نیاز به پول دست به سرقت می‌زده و به‌خاطر توهم ناشی از مصرف قرص و بست و زن دیگری نیز طعمه این مرد فنی خودرویش را در کنار خیابان نگه داشت و پس از لحظاتی درهای خودرو را قفل کرده و با تهدید چاقو به سمت من هجوم آورد. او ابتدا اقدام به سرقت طلاها و وسایل با ارزشم کرد و سپس با چسب پهن شیشه‌ای دست و پا‌هایم را بست و مرا مورد تجاوز قرار داد و پس از آن با گرفتن کارت بانکی‌ام اقدام به خالی کردن حسامیم کرد. در پی شکایت این زن جوان تیمی از مأموران اداره ۱۶ پلیس آگاهی تهران برای دستگیری متهم وارد عمل شدند و در گام نخست با کمک زن جوان اقدام به چهره‌نگاری متهم کردند.

تجسس‌های پلیسی ادامه داشت تا اینکه مأموران پی ببرند دختر جوان و زن دیگری نیز طعمه این مرد مسافرکش نما شده‌اند. یکی دیگر از قربانیان این متهم گفت: راننده ابتدا دست و پا‌هایم را با چسب پهن بست و برای اینکه پول بیشتری به جیب بزند با شوهرم تماس گرفت و خواست تا